امام جعفر صادق

ولادت امام و نامگذاری

امام جعفر صادق، امام ششم شیعیان، در هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ هجری قمری در مدینه متولد گردید. کنیه ایشان ابو عبدالله و لقبشان صادق می باشد. پدر ارجمندشان امام باقر و مادرش ام فروة است. رسول خدا سالها قبل ولادت آن حضرت را خبر داده و فرموده بود نام او را صادق بگذارید، زیرا از فرزندان او کسی است که همنام اوست، اما دروغ می گوید» جعفر کذّاب .«

دوران قبل از امامت

در دوران قبل از امامت، حضرت شاهد فعالیتهای پدر خویش در نشر معارف دینی و تربیت شاگردان وفا دار و با بصیرت بود. امام باقر در مناسبتهای مختلف به امامت و ولایت فرزندش جعفر صادق تصریح فرموده و شیعیان را پس از خودش به پیروی از او فرا می خواند. لذا احادیث، زیادی مبنی بر نص امامت حضرت صادق نقل شده است .

امام صادق در سال ۱۱۴ هجری قمری پس از شهادت پدرش در سن ۳۱ سالگی به امامت رسید. دوران امامتش مصادف بود با اواخر حکومت امویان که در سال ۱۳۲ به عمر آن پایان داده شد و اوایل حکومت عباسیان .

اوضاع جامعه در آغاز امامت حضرت

در آغاز امامت حضرت افرادی از شیعیان و حتی بستگان حضرت حاضر به قبول امامت ایشان نبودند، لذا حضرت از راههای گوناگونی کوشیدند آنها را به قبول راه صحیح وادار سازند و دراین زمینه به اذن خداوند معجزاتی نیز انجام دادند .

دوران امام جعفر صادق در میان دیگر دورانهای ائمه اطهار، دورانی منحصر به فرد بود و شرایط اجتماعی و فرهنگی عصر آن حضرت در زمان هیچ یک از امامان وجود نداشته است و این به دلیل ضعف بنی امیه و قدرت گرفتن بنی عباس بود .

این دو سلسله مدتها در حال مبارزه با یکدیگر بودند که این مبارزه در سال ۱۲۹ هجری وارد مبارزه مسلحانه و عملیات نظامی گردید .

این کشمکش ها و مشکلات سبب شد که توجه بنی امیه و بنی عباس کمتر به امامان و فعالیتشان باشد، از این رو این دوران، دوران آرامش نسبی امام صادق و شیعیان و فرصت بسیار خوبی برای فعالیت علمی و فرهنگی آنان به شمار می رفت .

جنبش فرهنگی در دوران امامت حضرت

عصر آن حضرت همچنین عصر جنبش فرهنگی و فکری و برخورد فرق و مذاهب گوناگون بود. پس از زمان رسول خدا دیگر چنین فرصتی پیش نیامده بود تا معارف اصیل اسلامی ترویج گردد، بخصوص که قانون منع حدیث و فشار حُکّام اموی باعث تشدید این وضع شده بود. لذا خلأ بزرگی در جامعه آنروز که تشنهٔ هرگونه علم و دانش و معرفت بود، به چشم می خورد .

امام صادق با توجه به فرصت مناسب سیاسی و نیاز شدید جامعه، دنباله نهضت علمی و فرهنگی پدرش را گرفت و حوزه وسیع علمی و دانشگاه بزرگی به وجود آورد و در رشته های مختلف علمی و نقلی شاگردان بزرگی تربیت کرد. شاگردانی چون :هشام بن حکم، مفضل بن عمر کوفی جعفی، محمد بن مسلم ثقفی، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مؤمن طاق، جابر بن حیان و . . . . تعداد شاگردان امام را تا چهار هزار نفر نوشته اند .

ابوحنیفه رئیس یکی از چهار فرقه اهل سنت مدتی شاگرد ایشان بود و خودش به این موضوع افتخار کرده است .

امام از فرصت های گوناگونی برای دفاع از دین و حقانیت تشیع و نشر معارف صحیح اسلام استفاده می برد. مناظرات زیادی نیز در همین موضوعات میان ایشان و سران فرقه های گوناگون انجام پذیرفت که طی آنها با استدلال های متین و استوار، پوچی عقاید آنها و برتری اسلام ثابت می شد .

همچنین در حوزه فقه و احکام نیز توسط ایشان فعالیت زیادی صورت گرفت، به صورتی که شاهراههای جدیدی در این بستر گشوده شد که تاکنون نیز به راه خود ادامه داده است .

بدین ترتیب، شرایطی مناسب پیش آمد و معارف اسلامی بیش از هر وقت دیگر از طریق الهی خود منتشر گشت، به صورتی که بیشترین احادیث شیعه در تمام زمینه ها از امام صادق نقل گردیده و مذهب تشیع به نام مذهب جعفری و فقه تشیع به نام فقه جعفری خوانده می شود .

حاکمان معاصر

همانطور که گفته شد امام بین دو دوره عباسی و اموی و دوران گذار از امویان به عباسیان می زیست. ایشان ازمیان خلفای اموی با افراد زیر معاصر بود :

1-هشام بن عبدالملک 125 -105) ه. ق (

2-ولید بن یزید بن عبدالملک (126-125)

3-یزید بن ولید بن عبدالملک (126)

4-ابراهیم بن ولید بن عبدالملک 70) روز از سال ۱۲۶ (

5-مروان بن محمد (132-126)

و از خلفای عباسی نیز معاصر بود با :

1-عبدالله بن محمد مشهور به سفاح (132-137)

2-ابوجعفر مشهور به منصور دوانیقی (137-158)

نباید تصور کرد که امام به کلی خود را از جریانات و امور سیاسی دور نگه داشت، بلکه همواره از وقتهای مناسب برای ترویج حقانیت خود و بطلان هیأت حاکمه بهره می برد و بدین منظور نمایندگانی را نیز به مناطق مختلف بلاد اسلامی می فرستاد .

عباسیان برای کسب قدرت و محبوبیت در دلهای مردم از وجهه اهل بیت پیامبر استفاده می کردند و حتی شعارشان" الرضا فی آل محمّد" بود. آنان به دنبال اشخاصی با وجهه مردمی بودند که هم از بستگان پیامبر باشند و هم درمیان مردم محبوبیت داشته باشند. لذا بهترین شخص در نظر عباسیان امام صادق بود.

امام صادق پیشنهاد آنان را رد کردند و فرمودند: نه شما از یاران من هستید نه زمانه، زمانه من است. حتی برخی از بستگان آن حضرت نزدیک بود با این پیشنهاد ها فریب به خورند، اما امام با روشنگری خاص خود به آنان فهماندند که به ظاهر توجه نکنند. امام می دانست که عباسیان نیز هدفی جز رسیدن به قدرت ندارند و اگر شعار طرفداری از اهل بیت را مطرح می کنند، صرفاً به خاطر جلب حمایت توده های شیفته اهل بیت است. امام می دید که سران سیاسی و نظامی عباسیان در خط مستقیم اسلام و اهل بیت نیستند و لذا حاضر نبود با آنان همکاری کرده و به اقداماتشان مشروعیت بخشد .

چنانکه در تاریخ می بینیم که چه جنایاتی کردند و چه خونهایی ریختند تا پایه های عباسیان محکم گردد . از حوادث مهم در زمان امامت حضرت، قیام عمویش زید بن علی است که شکست خورد و با شهادت زید به پایان رسید .